

شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ • سال یازدهم • شماره ۲۰۱۲ • ۷

شرق روزنامه

سیاست خارجی

انگلستان آمریکا را شریک کودتا کرد	صفحه ۸
چینی بندزده رابطه ایران و انگلیس	صفحه ۹
روزنامه	صفحه ۱۰

نگاه	
نه انگلیس ویکتور یایی است	
نه ایران احمدشاهی!	
فریدون مجلسی	
کارشناس روابط بین‌الملل	

وقتی قرار است چند سطری درباره روابط ایران و انگلیس بنویسم، دیگر جای آن نیست که از برداران «شرلی» آغاز کنم، به «ساکس» و «اولینسون» و «دارسی» بپردازم، به ملی شدن صنعت نفت و ۲۸مرداد و به اشغال‌های خودسرانه و بدحاصل دن‌کیشت‌های وطنی، تا نقش آن کشور در شرایط کنونی و مذاکرات هسته‌ای، همین اشاره کافی است. اما واقعیت این است که در رابطه سیاسی به معنی مدرن، پس از ترکیه که ارتباطات گسترده‌اش به قبل از صفوی بر می‌گردد، بریتانیا دارای قدیمی‌ترین رابطه مستمر سیاسی با ایران بوده است و بعد از آن نوبت به روسیه می‌رسد. زمانی، ایران با وجود محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی دوران صفوی، روی‌هم‌رفته از لحاظ سیاسی و اقتصادی کشور مقتدری بود و برای انگلستان مقرون به صرفه بود که به آن به صورت مشتری بالقوه بنگرد و در دورانی که دیپلماسی به معنای نیرنگ‌زدن و امتیاز گرفتن بود، این نقش را در ایران به‌خوبی بازی کرد؛ اما باید گفت در آن ارتباط کلاسیک انگلیسی‌ها دو دیدگاه سوداگرانه و حیثیتی داشتند. دید سوداگرانه همانی بود که منجر به رفتاری استعماری می‌شد، یعنی نتایج‌اش بهره‌مندی انحصاری از بازارهای بالقوه و بالفعل جهانی بود. چه برای خرید و چه برای فروش در ایران می‌توانست از هر دو جنبه جذابیت لازم را داشته باشد، ایرانیان از سال ۱۷۲۲ که در جنگی داخلی حاکمیت متمرکز اصفهان را از دست دادند، وارد دوران «میلیتاریستی» ویران‌کننده شدند، هرچند در دوران نادر و کریمخان و آقامحمدخان توانستند موجودیت ایران را حفظ کنند، اما بنیه اقتصادی آن را نابود کرد و شرایط فرهنگی و اجتماعی آن را به قهقرا برد و بعد از آن نیز در زمان محمدشاه و ناصرالدین‌شاه درگیر جنگ‌های دیگر بود. می‌خواهم نتیجه بگیرم که فقر خودساخته ایرانیان، جذابیت این کشور را از دیدگاه استعماری از بین برد.

برای ما جز روده و سلاامبور و برگه زردآلو چیزی برای صدور باقی نمانده بود؛ در این دوران طولانی که امضای قرارداد «دارسی» موجب کشف نفت شد و نقطه‌عطفی به وجود آورد، دیدگاه انگلستان نسبت به ایران، طمع‌ورزی اقتصادی نبود، بلکه رنگ حیثیتی و روای ایفای نقش اربابانه داشت، نقشی که بیش از هرچیز بر غرور ایرانیان تأثیر منفی گذاشت و در قضیه تنباکو و قضیه ملی‌شدن نفت، بازخور یافت و خودنمایی کرد. در آن دوران، بریتانیا، ایران را دولتی حایل و سپری میان روسیه و توسعه‌طلب و هند می‌دانست که گوهر تاج امپراتوری بریتانیا بود. از این‌رو، به بقا و حفظ استقلال ایران اهمیت می‌داد. اما فراموش هم نکرده بود که همین ایران چند دهه قبل خودش در زمان نادر وارد دھلی شده و حسایش را بر سر حمایت گورکانی از ماجرای قندهاری‌ها تصفیه کرده بود. به عبارت دیگر، گرچه بریتانیا، خواهان بقا استقلال ایران بود، اما نه به اندازای که فیل امپراتوری خودش یاد هندوستان کنده‌این رفتارهای متکبرانانه بریتانیایی‌ها بود که به ملی‌شدن صنعت نفت رنگ سیاسی و احساساتی فوق‌العاده بخشیده بود. آخرین باری که انگلیسی‌ها خودی نشان دادند حمایت‌شان از واقعه ۲۸مرداد ارتش شاهنشاهی علیه دولت مصدق بود. دیدگاه‌های بعدی ایران نسبت به بریتانیا به جای توجه به شرایط موجود، توجه به شرایط و رخندهای گذشته بوده است.

واقعیت این است که بعد از جنگ جهانی‌دوم، بریتانیا دیگر آن سرور جهانی نبود؛ بلکه بازگرگی در کنار یا پشت سر آمریکا در جنگ سرد بود که در مقابل آن روسیه قرار داشت. منتظر تشکیل اتحادیه اقتصادی اروپا باید می‌ماند تا به عضویت پذیرفته شود؛ا تدریجا قدرت‌های اقتصادی بزرگ‌تری مانند ژاپن و حتی فرانسه در برابرش علم شدند و بعد نوبت چین و هند و برزیل رسید؛ در این دوران، برضیت ایران نیز تغییر کرد. از کشوری فقیر و منزوی، بی‌سواد و بی‌په‌داشت، به کشوری رو به توسعه تبدیل شد و اگر جنگ عراق و آثار داخلی بعد از آن نبود، کشورمان با سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی و صنعتی فزون‌تر، در مقابل دولتی مثل انگلیس می‌توانست جایگاه خود را از دست ببرد. به بریتانیا و به خودشان بنگرند. یعنی آن کشور را در پوست شیر ببینند و از سوی دیگر، به جای توقع روابط برابر و محترمانه و استوار، خود را در شرایط مفلوک قاجاری ببینارند؛ اکنون، باید ایران خود را کشوری چندین برابر بزرگ‌تر از بریتانیا، با جمعیتی ۵۰درصد بیشتر، با منابع طبیعی و انسانی فراوان، با بزرگ‌ترین منبع انرژی مجموع گاز و نفت در جهان و با موقعیت استراتژیک استثنایی میان اروپا و آسیا ببیند. در این قالب به مذاکرات خود برای حل نهایی قضیه هسته‌ای و پایان‌دادن به آن ادامه دهد. خصوصا که در این باره آقای جک استراو، سابقه طولانی حسن نیت و اقدام فعالانه‌اش را نشان داده است. اشغال دوسال پیش سفارت بریتانیا بازی زبان‌بخشی به منظور بهره‌گیری از احساسات خفته و فراموش‌شده ایرانیان درباره روابط قرون گذشته بریتانیا بود که لطمه حیثیتی بزرگی بر ایران وارد کرد. بریتانیا هنوز یک کشور مهم اقتصادی بنگرند و ایران را، در روابط خود با این کشور، باید وجود دههازار ایرانی غالبا کارشناس و موثر را که در آن کشور زندگی می‌کنند و می‌توانند پایگاه‌های اقتصادی و فرهنگی مفیدی برای کشور باشند، در نظر داشته باشد؛ باید تجدید روابط را ارج نهم و به طور دوجانبه از آن بهره‌مند شویم. دیپلماسی به معنی برقراری رابطه است نه به معنی قطع آن!

یادداشت

یک سفر با چند هدف سیاسی حمید کریم‌نیا

به‌دنبال سفر «سامپون گس» فرستاده دولت محافظه‌کار انگلیس به تهران موضوع برقراری روابط رسمی بین دو کشور جدی‌تر شد. روابط ایران و انگلیس تنها در یک رابطه دوجانبه ساده خلاصه نمی‌شود. اهمیت این کشور به‌عنوان یکی از پنج‌کشور عضو دائم شورای امنیت و همین‌طور مهم‌ترین عضو اتحادیه اروپا مطرح است که رابطه ایران با هر یک از این نهادهای فراملیتی، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، به‌خصوص در شرایط حاضر که ایران در چالش با پرونده‌های پیچیده نظیر تحریم‌های اقتصادی و مذاکره با کشورهای عضو ۵۰ قرار دارد. از آن گذشته حضور صدها هزار ایرانی مقیم این کشور در کنار سایر مسایل ذی‌ربط بین دو کشور، موقعیتی برای تداوم روابط کنسولی به‌وجود آورده که هر زمان که قطع رابطه کامل برقرار شده، بزرگ‌ترین معضل برای این حوزه کاری برای ایرانیان به‌وجود آمده و در نتیجه در اولین فرصت، در حوزه روابط دوجانبه بخش کنسولی بازگشایی شده است. همین امر نشان می‌دهد تداوم قطع رابطه کامل حتی در عادی‌ترین بخش آن ممکن نیست، بنابراین در حوزه‌های مهم‌تر سیاسی و اقتصادی قطع‌ا از اهمیت ویژه‌ای برای طرفین برخوردار خواهد بود، این مساله بارها در طول دوران تاریخ معاصر تکرار شده است. از دیگر سو هم باید ادعان کرد اهمیت ایران از دیرباز برای انگلیس بر کسی پوشیده نبوده است. لیکن شرایط امروزی با گذشته بسیار متفاوت شده است. ایران مهم‌ترین کشور منطقه و دارای ظرفیت‌های بسیار بالا در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در خاورمیانه است. از این‌رو موقعیت با نگرش سیاسی-اقتصادی انگلیس در منطقه خاورمیانه قاعدا تا باید در چارچوب همکاری‌هایی بدون پیش‌آوردن حساسیت‌های ملحوظ از نظر جمهوری اسلامی ایران باشد.

اما هدف این سفر در این مقطع از چند جنبه قابل بررسی است: ابتدا اینکه، روابط دوجانبه ایران و انگلیس پس از انقلاب اسلامی از یک فراز و نشیب غیرمتعارفی برخوردار بوده است. این سوسمین باری است که ظرف ۳۵سال گذشته طرفین پس از قطع رابطه تصمیم به برقراری روابط سیاسی می‌گیرند. چرا این‌همه فراز و نشیب در این روابط وجود دارد که در هیچ‌یک از کشورهای مهم (حتی آمریکا) اتفاق نیفتاده است؟ پاسخ آن در درجه نخست در ساختار ذهنی و سیاسی طرفین نهفته است؛ ساختاری که طرف انگلیسی با آن سابقه تاریخی‌اش همچنان علاقمند به داشتن روابط با ایران یا حفظ دیدگاه‌ها و نگرش منطقه‌ای و قدرت‌طلبانه‌است.

ادامه در صفحه ۸



عکس: محمد مویژ، شرق

تخت‌روانچی، معاون اروپا و آمریکای وزارت‌خارجه در گفت‌وگو با «شرق»:

عجله‌ای برای تبادل سفیر با انگلیس نداریم

۴ مثلا آنها در مورد اتفاقی که در مورد سفارت‌شان رخ داد و موجب توقف

رابطه دو کشور شد، هیچ گلابه‌ای ندارند؟ این موضوع طبیعتا یکی از مواردی است که موجب شد رابطه دو کشور قطع شود و الان در شرایطی قرار دارد که وارد فضای جدیدی می‌شود. خود به خود در ذهن آنها هست و آنها از این قضیه ناراحت هستند، کم‌اینکه خود ما هم چنین قضیه‌ای را تایید نمی‌کنیم. خود مقام‌معم‌هبری در این مورد صحبت کردند، وزارت خارجه وقت هم بیانیه داد و اظهارنظر کرد. طبیعتا این حادثه در ذهن آنها هست. اما من نشانه‌هایی به‌صورت مکرر ندیدم که آیا اینها در پس ذهنشان هست یا نه؟ اما اظهار نظر دقیق در این مورد را باید خودشان انجام دهند. همان‌طور که من در مورد خودمان گفتم که نسبتا این سابقه در ذهن ما وجود دارد.

۴ شما در حاشیه اغلب مذاکرات هسته‌ای با سامپون گس نماینده انگلیس دیدار دوجانبه داشتید. با توجه به همه این دیدارها و آمدن گس به تهران، آیا از سرگیری رابطه این دو کشور سرعت مناسب را دارد یا اینکه مشکلات آنقدر زیاد است که بیش از این نمی‌تواند سرعت بگیرد.

بعد از مجمع عمومی گفت‌وگوهایمان را با انگلیس‌ها شروع کردیم و در حاشیه ۵۰، در تهران، لندن و توسط کاردارهای غیرمقیم دو کشور، ملاقات‌ها و گفت‌وگوهای متعددی با انگلیس‌ها داشتیم. از ابتدا قرار ما این بود که قدم‌به‌قدم جلو برویم. اینطور نبود که تصمیم گرفته باشیم بافلاصله سفارت‌خانه‌هایمان را در دو کشور باز کنیم و الان ببینیم که انجام نشده پس نتیجه بگیریم که عقیدگرد کرده‌ایم، نه، اینطور نیست. از ابتدا قرار بر این بود که قدم‌به‌قدم و پله‌به‌پله، جلو برویم. فکر می‌کنم این کار هم تقریبا انجام شده از ابتدا یک موضوع که برای ما مهم بود این بود که با توجه به تعداد زیاد ایرانیان مقیم انگلیس علاقمند بودیم که سفارت ما در انگلیس بتواند خدمات کنسولی ارایه کند، برای ما مهم است ایرانیان خارج از کشور تا حد ممکن در آرامش باشند. دولت جمهوری اسلامی هم تا آنجا که توان دارد و بتواند، ارایه خدمت می‌کند. ایرانیان خارج از کشور از

اینکه چه زمانی دو سفارت بتوانند به‌طور رسمی حقیقتا ما عجله خاصی برای این کار نداریم، باید زمان خودش را طی کند. در رابطه با انگلیس در مسایل سیاسی و اقتصادی هم عجله خاصی نداریم. به‌هر حال برخی موضوعات به مرور زمان آنجا که باید، قرار می‌گیرد	
---	--

نظر اجتماعی، سطح علم و نفوذ، افراد محترمی هستند و اوعا سر مایه‌های بزرگ مردم ما هستند. علاوه بر اینکه همه ایرانیان برای ما محترم هستند. هدف ما این بود که خدمات کنسولی به آنها رای‌ه شود و الان این کار در حال انجام است. سفارت ما و انگلیس از حالت دولت‌های حلی، درآمده قیلا شوند. حافظ منافع انگلیس در ایران بود و دولت عمان، حافظ منافع ما در انگلیس بود ولی الان سفارت‌های هر کشور در دست اتباع خودش است، پرچم‌ها برافراشته شده و مشکلی از این نظر نداریم. اما اینکه چه زمانی دو سفارت بتوانند به‌طور رسمی در سطح سفارت کار کنند مقداری زمان می‌برد. حقیقتا ما عجله خاصی برای این کار نداریم باید زمان خودش را طی کند. در رابطه با انگلیس در مسایل سیاسی و اقتصادی هم عجله خاصی نداریم. به‌هر حال برخی موضوعات به مرور زمان، آنجا که باید، قرار می‌گیرد. اصراری بر اینکه بخواهد سرعت بگیرد، نداریم، رفت‌وآمدها هست و در چارچوب مذاکرات ۵۰۱ هم با آنها گفت‌وگو می‌کنیم. سفرها هم مثل سفر گس و سفر کاردارها در جهت این است که بتوانیم روابط کامل داشته باشیم.

۴ در این فرآیند قدم‌به‌قدم و گام‌به‌گام دورنما و بازه زمانی را تصور می‌کنید که روابط ایران و انگلیس به سطح سفیر بر گردد یا چنین زمان‌بندی‌ای نمی‌توان ارایه کرد؟

فعلا ما به اینکه بخواهیم سفیر مبادله کنیم، فکر نمی‌کنیم. برای بازگشایی سفارت‌خانه‌ها باید زمان خاصش برسد، ممکن است مدتی طول بکشد، هدفمان این است که به آن نقطه برسیم که سفارت‌ها کار خود را در سطح کاردار انجام دهند. در زمان خودش به بحث تبادل سفیر هم خواهیم رسید.

۴ سفر خانم اشتون آنقدر با حاشیه‌ها همراه بود که اصل سفر خیلی پر رنگ نشد. بفرمایید که این سفر از لحاظ دیپلماتیک یا اقتصادی چه دستاوردی برای ایران داشت؟

ایران به اتحادیه اروپا به چشم یک شریک تجاری خوب نگاه می‌کند. اتحادیه اروپا ۲۸ کشور هستند که یک بلوک جهانی را تشکیل می‌دهند، از نظر سیاسی سعی می‌کنند که مواضع یکدستی بگیرند و در چارچوب اتحادیه تصمیم‌گیری کنند و یک مجموعه قوی در دنیا است اما به این معنا نیست که کسی بگوید بدون اتحادیه اروپا نمی‌شود، زندگی کرد. نه اینطور نیست، واقعیتی که وجود

فرصت برای گفت‌وگو، کم و پرسش‌هایم زیاد است، چه آنکه حوزه وظایف دکتر مجید تخت‌روانچی، البته بهر بسیار گسترده‌است: معاونت اروپا و آمریکای وزارت‌خارجه و عضو ارشد نیم مذاکره‌کننده هسته‌ای. به بهانه سفر اخیر سامپون گس، معاون وزارت‌خارجه انگلیس به موضوع روابط از سرگرفته‌شده ایران و انگلیس پرداختیم و از تباط ایران و اتحادیه اروپا، روانچی از قدیمی‌های وزارت‌خارجه است، از سال ۱۳۶۵ معاون اداره مجامع بین‌المللی وزارت‌خارجه بود و سال‌ها در نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل سفیر بوده. در دوره وزارت‌خارجه کمال خرازی، دستیار ویژه وزیر شد و بعد سفیر ایران در سوئیس و لیختن اشتاین. البته بعد از سال ۸۸ او هم مثل محمدجواد ظریف به سمت مشاور وزیر امور خارجه منصوب شد اما حضورش پررنگ نبود تا اینکه با انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و سر کار آمدن دولت حسن روحانی، به سمت معاون وزیر خارجه منصوب شد. او در مذاکرات هسته‌ای در دوران اصلاحات که منجر به توافق سعدآباد شد هم حضور داشت.	
--	---

ماحصل فرصت کم گفت‌وگو و پرسش‌های متعدد، مصاحبه زیر است که نگاشته‌هایش کم‌نیست.

۴ در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل یکسری دیدارهای وزیر خارجه ایران، ماموریت‌های شما در معاونت اروپا و آمریکای وزارت‌خارجه را کلید زد. مثل دیدار آقای ظریف با آقای ویلیام هبگ، وزیر خارجه انگلیس که منجر به از سرگیری گفت‌وگوها در مورد رابطه ایران و انگلیس شد. در مورد آغاز این گفت‌وگوها به ما بگویید؟

با آغاز به کار دولت آقای روحانی، انتظار می‌رفت در حوزه سیاست خارجی، حرکت جدیدی را آغاز کنیم. جناب آقای روحانی هم برر این تغییرات در عرصه سیاست خارجی تاکید داشتند، البته با تاکید بر چند اصل، مثل ارتباط با کشورهای مختلف بر اساس احترام متقابل و عدم‌دخالت در امور داخلی و از موضع برابر. البته این موارد از اصول بین‌الملل است و به‌نحوی در منشور ملل متحد هم منعکس شده. آقای روحانی تاکید داشتند که اینها معیارهای ما برای ارتباط بهتر با جهان است بر این اساس فضای جدیدی ایجاد شد تا بتوانیم با کشورهای مختلف دیالوگ جدیدی را آغاز کنیم. وقتی برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک رفتیم، چون مقامات بلندمر تبه کشورهای مختلف هم در آنجا حضور داشتند، فرصت مناسبی بود تا ملاقات‌هایی در سطوح بالا، در سطح رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه، انجام شود. به یاد دارید که در حاشیه مجمع عمومی آقای روحانی ملاقات‌های متعددی در سطح سران و آقای ظریف هم ملاقات زیادی با وزرای خارجه داشتند. از طرف انگلیس‌ها هم برای انجام گفت‌وگو اظهار علاقه شد. در آن گفت‌وگو که بنده هم حضور داشتم، طرف انگلیسی اظهار علاقه کرد که بتوانیم گفت‌وگوهایمان را ادامه دهیم، طبیعی بود که ما هم بر اساس اصولی که ابتدا گفتم، مشکلی برای گفت‌وگو نداشتیم. البته در مورد انگلیس، این نکته را عرض کنم که ما سابقه‌ای که داریم خیلی مثبت نیست و در برخی موارد سابقه تلخی است. بر همین اساس ما هم در گفت‌وگوهای متعدد تاکید کردیم که مساله عدم دخالت در امور داخلی برای ما اصل مهمی است؛ نه‌تنها در مورد انگلیس که در مورد همه کشورهایی که با آنها ارتباط داریم این اصل را رعایت می‌کنیم نه ما در امور داخلی آنها دخالت می‌کنیم نه به کسی اجازه می‌دهیم که در امور ما دخالت داشته باشد. البته اینکه به گذشته اشاره کردم به این معنا نیست که بخواهیم در گذشته متوقف شویم و نگاه رو به آینده نداشته باشیم. حتما نگاهمان رو به آینده و جلو است ولی به این معنا نیست که آن گذشته را کاملا از ذهنمان پاک کنیم.

۴ اما آن گذشته در ذهن و رابطه ما تأثیر منفی می‌گذارد. من نمی‌خواهم بگویم که تأثیر منفی می‌گذارد، اما شما را به فکر فرو می‌برد. وقتی در رابطه با کشوری قرار می‌گیرید که – به هر دلیلی – در موردش سابقه منفی وجود دارد، می‌خواهید به آینده نگاه کنید و در گذشته متوقف نشوید، با این حال پس ذهنتان همیشه چیزی وجود دارد که به شما هشدار می‌دهد مراقب باشید و حواستان را جمع کنید.

۴ این حس هشدار و حواس‌جمع کردن فقط از سوی ماست یا از سوی انگلیس هم وجود دارد؟

این را باید از خودشان پرسید.

۴ قطعلا شما در ارتباط با آنها متوجه وجود یک عدم وجود چنین نگاهی می‌شوید؟ حقیقتا من چیز مبهودی ندیدم. شاید داشته اما طوری وانمود نکردند که آن را نشان دهد.